

# الیجاه - شماره چهارده

توازی نبوتی: از پیروان میلر تا آینده برای آمریکا در روح الیاس

Jeff Pippenger

2023-10-21

در زمان پایان، در سال ۱۷۹۸، پیام نبوی مربوط به رود اولای در باب‌های هشتم و نهم دانیال از مهر گشوده شد و ویلیام میلر در روح و قدرت ایلیا برانگیخته شد تا نزدیک بودن داوری خدا را اعلام کند.

این مأموریت که هشدار را در آمریکا اعلام کنند، به ویلیام میلر و همکارانش سپرده شد. این کشور به مرکز جنبش بزرگ ظهور تبدیل شد. در همین‌جا بود که نبوت پیام فرشته اول مستقیم‌ترین تحقق خود را یافت. نوشته‌های میلر و همکارانش به سرزمین‌های دوردست برده شد. به هر جا در سراسر جهان که مبلغان راه یافته بودند، مژده بازگشت قریب‌الوقوع مسیح فرستاده شد. پیام انجیل جاودانی به دور و نزدیک منتشر شد: «از خدا بترسید و او را جلال دهید، زیرا ساعت داوری او فرا رسیده است.» مناقشه بزرگ، ۳۶۸.

در وقت پایان، در سال ۱۹۸۹، مهر از پیام نبوی رودخانه هیدکل در باب‌های ده تا دوازده دانیال برداشته شد و فیوچر فور آمریکا در روح و قدرت ایلیا برپا گردید تا نزدیک بودن داوری خدا را اعلام کند.

پیروان میلر آغاز داوری را اعلام کردند و فیوچر فور آمریکا پایان داوری را اعلام می‌کند. چارچوب نبوتی پیروان میلر دو قدرت ویرانگر بود: بت‌پرستی و سپس پاپی‌گری. چارچوب نبوتی فیوچر فور آمریکا سه قدرت ویرانگر است: بت‌پرستی، سپس پاپی‌گری و پس از آن پروتستان‌تیسیم مرتد.

پیروان میلر در آغاز فیلادلفی بودند و سپس به لاودیکی تبدیل شدند. فیوچر فور آمریکا به صورت لاودیکی آغاز شد و به فیلادلفی تبدیل می‌شود. گذار پیروان میلر از فیلادلفیه به لاودیکیه با مرگ ایلیا و پیام او درباره سوگند موسی مرتبط بود. گذار فیوچر فور آمریکا با مرگ و قیام ایلیا و موسی در مکاشفه یوحنا باب یازدهم مرتبط است.

در آغاز داوری در سال ۱۸۴۴، میلری‌ها کار ایلیا را در کوه کرمل به انجام رسانده بودند. در پایان داوری، هنگام قانون یکشنبه، جنبش فیوچر فور آمریکا کار ایلیا را در کوه کرمل به انجام رسانده خواهد بود. در تاریخ میلری‌ها، سه نشانه راه نبوت شصت و پنج ساله‌ای که در اشعیا باب هفت، آیه هشت مشخص شده‌اند، تکرار شدند، هنگامی که دو ملت به هم پیوستند و یک ملت شدند تا شاخ پروتستان وحش زمین مکاشفه سیزده را برپا کنند. در تاریخ فیوچر فور آمریکا، سه نشانه راه همان شصت و پنج سال تکرار می‌شوند، زمانی که دو ملت گرد هم می‌آیند تا شاخ جمهوریت را که همچون اژدها سخن می‌گوید شکل دهند.

نخستین آن سه نشانه راه در تاریخ نبوتی فیوچر فور آمریکا، وقت پایان در سال ۱۹۸۹ بود. دومی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بود و سومی قانون یکشنبه‌ای است که به زودی خواهد آمد. در تاریخ میلری‌ها، ترتیب نشانه‌های راه که در اشعیا باب هفت مشخص شده‌اند، برعکس ترتیب نشانه‌های راه در تاریخ اشعیا بود. در تاریخ فیوچر فور آمریکا، این ترتیب با نخستین اشاره به شصت و پنج سال همخوان است، هرچند در پایان دیگر هیچ عنصر زمانی‌ای وجود ندارد. از ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ به بعد، هرگونه به‌کارگیری زمان نبوی یک فریب شیطانی است.

توجیه نبوی برای پابندی به ترتیب سه نشانه راه همان‌گونه که در اشعیا باب هفت بیان شده‌اند، در برابر ترتیب معکوس آن‌ها در تاریخ میلریتی، تا حدی بر قاعده «نخستین ذکر» استوار است. ترتیب

شصت و پنج سال نخستین بار در اشعیا باب هفت ذکر شده است و هرچند دیگر عنصر زمانی شصت و پنج ساله‌ای وجود ندارد، هنگامی که تحقق نهایی تاریخ نبوی نمایانده شده با آن سال‌ها در جنبش پایانی رخ می‌دهد، سه نشانه راه همچنان شناسایی می‌شوند و ترتیب خود را همان‌گونه که در تاریخ اشعیاست حفظ می‌کنند.

توجیه دوم برای حفظ ترتیب اولیه نشانه‌های راه، عبارت است از رابطه آن با تاریخ جنبش میلریتی (که در آن شصت و پنج سال به تحقق رسید) و نیز تداومی که میان جنبش میلریتی و جنبش Future for America وجود دارد. تاریخ جنبش میلریتی آغاز بود و Future for America پایان است.

جنبش پیروان میلر در سال ۱۸۶۳ پایان یافت، زمانی که کلیسای ادونتیست روز هفتم به طور قانونی سازمان یافت. در همان هنگام، پیام‌آور ایلینا که در سال ۱۷۹۸، در وقت آخر، وقتی رویای رود اولای مهرش گشوده شد، ظهور کرده بود، خاموش و مهر و موم شد. در سال ۱۹۸۹، در وقت آخر، وقتی رویای رود حدقل مهرش گشوده شد، پیام‌آور ایلینا بازگشت.

سومین دلیل برای حفظ توالی اصلی نشانه‌های راه در خط نبوتی یافت می‌شود که به وحش زمین و دو شاخ آن می‌پردازد. در تاریخ جنبش میلر، دو ملت به هم پیوستند تا شاخ پروتستانتیسم را شکل دهند. در تاریخ «آینده برای آمریکا»، دو شاخ پروتستانتیسم مرتد و جمهوری‌خواهی مرتد به هم خواهند پیوست تا آن ملت واحدی را شکل دهند که «تصویری از» و نیز «تصویری برای» وحش است. آن دو ملت که در تاریخ پایانی گرد هم می‌آیند تا شاخ یگانه کلیسا و دولت را شکل دهند، در قانون یکشنبه به آن تحقق می‌رسند.

هنگامی که تصویر وحش به طور کامل شکل بگیرد، فرجام آن با توانایی‌اش برای به تصویب رساندن قانون روز یکشنبه به اثبات می‌رسد. توسعه آن تصویر فرایندی در گذر زمان است، اما نشانه وحش نقطه‌ای در زمان است. زمان توسعه تصویر با چهل و شش سال برپایی معبد، از ۱۷۹۸ تا ۱۸۴۴، نشان داده می‌شود. شاخ جمهوریت در دوره‌ای که تصویر وحش در حال توسعه است، معبدی دینی-سیاسی برپا می‌کند.

شکل‌گیری تصویر وحش به طور پیش‌گویانه در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز شد. آن بحران به تصویب قانون میهن‌پرستی انجامید که نشانگر تغییری در حقوق اساسی از مبنای حقوق انگلیسی به مبنای حقوق رومی بود. حقوق انگلیسی مبتنی بر این اصل است که شخص تا زمانی که مجرم بودنش ثابت نشده بی‌گناه است، و حقوق رومی مبتنی بر این اصل است که شخص تا زمانی که بی‌گناهی‌اش ثابت نشده مجرم است.

معبد سیاسی‌ای که از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تا قانون یکشنبه برپا می‌شود، نیز با شکل‌گیری تمثال وحش نشان داده می‌شود. زمان نبوتی دیگر کاربرد ندارد؛ از این رو چهل و شش سال که در آن شاخ پروتستانتیسم معبد روحانی را برپا کرد، نشانگر دوره‌ای است، نه نقطه‌ای در زمان، که در آن شاخ جمهوری‌خواهی معبد دینی-سیاسی خود را برمی‌افزاید.

سه توجیه اصلی برای به کارگیری همان توالی سه نقطه عطف شصت و پنج سال مذکور در باب هفتم اشعیا عبارت‌اند از: نخست، قاعده نخستین ذکر؛ ۷۴۲ ق.م، ۷۲۳ ق.م و ۶۷۷ ق.م؛ بدین‌سان نوزده سال و پس از آن چهل و شش سال. در تاریخ میلریتی برعکس بود: ۱۷۹۸، ۱۸۴۴ و ۱۸۶۳؛ بدین‌سان چهل و شش سال و پس از آن نوزده سال.

توجیه دوم، استمرار پیام نقش و کار ایلینا است. ایلینا در سال ۱۷۹۸، در زمان پایان، ظاهر شد؛ زمانی که کتاب دانیال از مهر گشوده شد (دانیال ۸:۱۴)، و سپس از ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴ به مجادله کوه کرمل رسید، و آنگاه در ۱۸۶۳ به وسیله الهیات رسوم و سنت مهر و موم شد. ایلینا بار دیگر در سال ۱۹۸۹، در زمان

پایان، ظاهر شد؛ هنگامی که کتاب دانیال از مهر گشوده شد. او به گونه‌ای نبوی به ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ سفر کرد، جایی که مجادله کوه کرمل آغاز می‌شود، تا سرانجام در قانون یکشنبه که به زودی می‌رسد پایان یابد. تداوم نقش و کار ایلیا، توالی علائم راهنمایی را که در اشعیا هفت مشخص شده‌اند، تأیید می‌کند.

زمینه دو شاخ وحش زمین نشان می‌دهد که هر دو شاخ از دو قدرت به یک قدرت گذار می‌کنند: یکی در آغاز و دیگری در پایان پادشاهی ششم نبوت‌های کتاب مقدس. وقتی دو چوب مربوط به آغاز یا پایان گردآوری و به هم پیوسته شوند تا یک قوم واحد شوند، این امر به صورت ساختن معبدی روحانی در آغاز، و در پایان به صورت معبدی روحانی دینی-سیاسی بازنمایی می‌شود. معبد جعلی تصویری از هیکل پاپی است؛ جایی که پاپ در هیکل خدا نشسته و خود را خدا اعلام می‌کند.

وقتی ایالات متحده در زمان قانون یکشنبه همچون اژدها سخن بگوید، همان تصویر را تحقق خواهد بخشید، زیرا معبدی جعلی ساخته خواهد بود که در آن کلیسا و دولت به هم پیوند خورده و یک چوب شده‌اند، و کلیسا کنترل این رابطه را در دست خواهد داشت.

در باب هفتم اشعیا، پیامبر اشعیا پسرش را برد تا پیام را به پادشاه آحاز در کنار مجرای حوض بالایی، کنار مزرعه رخت‌شویان اعلام کند.

آنگاه خداوند به اشعیا فرمود: اکنون بیرون برو تا با آحاز دیدار کنی، تو و پسرت، شیتر یا شوب، در انتهای مجرای آب حوض بالایی، در شاهراه مزرعه قصار. اشعیا ۷:۳.

واژه «shearjashub» به معنای «بازمانده‌ای بازخواهد گشت» است. بازماندگان آغاز جنبش پیروان میلر در سال ۱۹۸۹ در جنبش «America for America» بازگشتند. اشعیا و پسرش از طریق رابطه پدر و پسری‌شان، نماد یک آغاز و یک پایان هستند. آنان روح ایلیا را منتقل می‌کنند؛ روحی که قرار بود دل‌های پدران را به سوی فرزندان و دل‌های فرزندان را به سوی پدران برگرداند. اشعیا پیامی ایلیایی را به پادشاه شرور، آحاز، اعلام می‌کرد. آحاز، افزون بر دیگر اعمال شرورانه‌اش، به خاطر تعطیل کردن خدمات مقدس‌گاه و برپا کردن نسخه‌ای از یک معبد آشوری به جای آن شناخته می‌شود.

آحاز هنگام آغاز سلطنت بیست‌ساله بود و شانزده سال در اورشلیم سلطنت کرد، و همچون داود پدرش آنچه را در نظر خداوند، خدای خود، درست بود به‌جا نیاورد. بلکه در راه پادشاهان اسرائیل سلوک کرد، بلکه پسر خود را نیز به رسم رجاسات امت‌های بیگانه که خداوند از حضور بنی‌اسرائیل رانده بود، از آتش گذرانید. و در بلندی‌ها و بر تپه‌ها و زیر هر درخت سبز، قربانی گذرانید و بخور سوزانید. آنگاه رصین پادشاه سوریه و فحج پسر رملیا پادشاه اسرائیل برای جنگ به اورشلیم برآمدند؛ و آحاز را محاصره کردند، اما نتوانستند بر او چیره شوند. در همان زمان، رصین پادشاه سوریه ایلات را برای سوریه بازپس گرفت و یهودیان را از ایلات راند؛ و سوریان به ایلات آمدند و تا امروز در آنجا ساکن شدند. پس آحاز به تغلت‌فلاسر پادشاه آشور پیام‌آورانی فرستاد و گفت: «من بنده و پسرت هستم؛ برآی و مرا از دست پادشاه سوریه و از دست پادشاه اسرائیل که بر ضد من برخاسته‌اند، رهایی ده.» و آحاز نقره و طلایی را که در خانه خداوند و در خزاین خانه پادشاه یافت می‌شد، برگرفت و آن را به عنوان هدیه برای پادشاه آشور فرستاد. و پادشاه آشور سخن او را پذیرفت؛ زیرا بر ضد دمشق برآمد و آن را گرفت، و مردمش را اسیر کرده به قیر برد و رصین را کشت. و شاه آحاز برای دیدار تغلت‌فلاسر پادشاه آشور به دمشق رفت و قربانگاهی را که در دمشق بود دید؛ و شاه آحاز نقش و طرح آن قربانگاه را، مطابق تمام صنعت آن، برای اورپای کاهن فرستاد. و اورپای کاهن بر طبق هرآنچه شاه آحاز از دمشق فرستاده بود، قربانگاهی بنا کرد؛ بدین‌سان، اورپای کاهن آن را پیش از آنکه شاه آحاز از دمشق بازگردد، ساخت. و چون پادشاه از دمشق آمد، قربانگاه را دید؛ و پادشاه به قربانگاه نزدیک شد و بر آن قربانی گذرانید. او قربانی سوختنی و هدیه آردی خود را سوزانید و هدیه ریختنی خود را ریخت و خون قربانی‌های

سلامتی خود را بر قربانگاه پاشید. و نیز مذبح برنجین را که در حضور خداوند بود، از پیشگاه خانه، از میان مذبح و خانه خداوند برداشت و آن را در جانب شمالی قربانگاه نهاد. و شاه آواز به اوربای کاهن فرمان داد و گفت: «بر مذبح بزرگ، قربانی سوختنی صبحگاهی و هدیه آردی شامگاهی و قربانی سوختنی پادشاه و هدیه آردی او را، و نیز قربانی سوختنی تمامی مردم آن سرزمین و هدیه‌های آردی و هدایای ریختنی ایشان را بگذران؛ و همه خون قربانی سوختنی و همه خون قربانی را بر آن بپاش؛ و اما مذبح برنجین برای من خواهد بود تا بدان وسیله مشورت کنم.» اوربای کاهن مطابق همه آنچه شاه آواز فرمان داده بود، عمل کرد. و شاه آواز کناره‌های پایه‌ها را برید و حوض را از روی آنها برداشت؛ و دریا را نیز از روی گاوهای برنجینی که زیر آن بود پایین آورد و آن را بر سنگفرشی از سنگ نهاد. و سایبان سبت را که در خانه ساخته بودند، و ورودگاه بیرونی پادشاه را، به سبب پادشاه آشور از خانه خداوند برداشت. دوم پادشاهان ۱۶:۱-۱۸.

پادشاه آشور نمایانگر پادشاه شمال است، که نمادی از دستگاه پاپی است. پادشاه شریر آواز رهبر حقیقی یهودا بود، همان سرزمین مجید حقیقی. هنگامی که اشعیا و پسرش با او در مجرای حوض بالایی، کنار مزرعه قصار، دیدار کردند و این پیام را آوردند که باقیماندگانی بازخواهند گشت، آن پادشاه شریر در بحران یک جنگ داخلی میان شمال و جنوب بود. در آن بحران، پیامی را که خدا از طریق نبی‌اش اشعیا فرستاده بود رد کرد و برای حفاظت به پادشاه حقیقی شمال متوسل شد.

زمینه اشعیا فصل هفت رهبری از سرزمین پرچال روحانی را به تصویر می‌کشد که در زمان جنگ داخلی، به جای اینکه به خدا متوسل شود، برای اتحاد به پاپیت رو می‌آورد. شورش آواز بر ضد خدا با این نمایان می‌شود که او به دیدار پادشاه شمال می‌رود و الگویی از معبد خدای پادشاه شمال می‌سازد و آن الگوی معبد را برای کاهن اعظم در اورشلیم می‌فرستد؛ و او نیز رونوشت آن معبد تقلبی را در محوطه‌های مقدس جرم خدا برپا می‌کند. پادشاه شریر، آواز، نماینده دولت است و همکاری کاهن اعظم نشان‌دهنده ترکیب کلیسا و دولت است.

آن شورش واقعی نمایانگر شورش رهبر سرزمین جلال روحانی است که آیین پرستش پاپیت (پادشاه شمال) را بازتولید می‌کند و پرستش حقیقی در قدس خدا را تعطیل می‌کند. شورش آواز نمایانگر رهبری ایالات متحده است که در سرزمین جلال معبدی جعلی برپا می‌کند که نسخه‌ای از معبد پادشاه شمال است.

زمینه نبوتی باب هفت اشعیا نمایانگر شصت و پنج سال آغازین وحش زمین است و به طور مستقیم‌تر دوره پایانی وحش زمین را نشان می‌دهد. از زمینه نبوتی باب هفت اشعیا می‌توان بینش‌های فراوانی به دست آورد، اما در این مقطع ما صرفاً از این اصل بهره می‌بریم که مسیح پایان یک چیز را با آغاز آن نشان می‌دهد. در این‌جا این اصل را به کار می‌بریم، نه چندان برای عمیق شدن در پیامدهای زمینه تاریخی باب هفت اشعیا. ما مشخص می‌کنیم که هرگاه شاخ جمهوری‌خواهی مرتد با شاخ پروتستانیسم مرتد متحد شود، این امر نمایانگر برپایی هیکل جعلی است.

برپایی معبد جعلی که از معبد پادشاه شمال الگوبرداری شده، بیانگر دوره‌ای از تاریخ است که در آن تصویر وحش شکل می‌گیرد، و این آزمون بزرگی برای قوم خداست که سرنوشت ابدی آنان به وسیله آن تعیین خواهد شد.

خداوند به روشنی به من نشان داده است که تصویر وحش پیش از پایان یافتن دوره آزمایش شکل خواهد گرفت؛ زیرا این، آزمون بزرگی برای قوم خدا خواهد بود که به وسیله آن سرنوشت ابدی آنان تعیین خواهد شد.

"این همان آزمونی است که قوم خدا باید پیش از آن که مَهر شوند، از سر بگذرانند. تمام کسانی که با نگاه داشتن شریعت او وفاداری خود را به خدا ثابت کردند و از پذیرفتن سبت جعلی سر باز

زدند، زیر پرچم خداوند یهوه صف خواهند بست و مهر خدای زنده را دریافت خواهند کرد. کسانی که از حقیقت آسمانی دست می‌کشند و سبت یکشنبه را می‌پذیرند، نشان وحش را دریافت خواهند کرد" تفسیر کتاب مقدس ادونتیست‌های روز هفتم، جلد ۷، ۹۷۶.

ادونتیست‌های روز هفتم، که «مردم خدا»ی لائودیکایی هستند، یک «آزمون بزرگ» دارند که پیش از بسته شدن مهلت رخ می‌دهد. این همان «آزمون»ی است که باید «پیش از آن که مهر شوند» از آن بگذرند. مهر خدا و پایان مهلت در هنگام قانون یکشنبه رخ می‌دهد. شکل‌گیری تصویر وحش در دوره‌ای روی می‌دهد که به قانون یکشنبه منتهی می‌شود و در آن به اوج می‌رسد. تصویر وحش و شکل‌گیری آن، حقیقتی است که سرنوشت ابدی ما را تعیین خواهد کرد. شکل‌گیری آن تصویر به پیوستن دو چوب برای تشکیل یک ملت واحد تشبیه شده است. پیوستن آن دو چوب در آغاز تاریخ ایالات متحده رخ می‌دهد و سپس در پایان آن دوباره اتفاق می‌افتد. در آغاز، دو چوب به هم پیوستند تا شاخ پروتستان را برپا کنند، و در پایان، دو چوب به هم می‌پیوندند تا شاخ جمهوری‌خواه را برپا کنند.

در آغاز دوره ۱۷۹۸ تا ۱۸۴۴، معبد شاخ پروتستان برپا شد. نوزده سال بعد، نخستین رئیس‌جمهور جمهوری‌خواه شاخ جمهوری‌خواه چون بره سخن گفت و با این کار روند آزادی بردگان را آغاز کرد، اما این به بهای جاننش تمام شد. بره خدا پر صلیب جان داد تا بشریت را از بردگی گناه آزاد کند، اما این به بهای جاننش تمام شد. صلیب، اعلامیه آزادی بردگان است. در تاریخی که شاخ جمهوری‌خواه در حال آزاد کردن بردگان بود، شاخ پروتستان پیشگویی بردگی را رد کرد. در تاریخ قانون یکشنبه، زمانی که شاخ جمهوری‌خواه بردگی معنوی را دوباره برقرار می‌کند، شاخ پروتستان پیامی را اعلام خواهد کرد که اسیران را آزاد می‌سازد.

آخرین رئیس‌جمهور شاخ جمهوری‌وحش زمین مانند اژدها سخن خواهد گفت، و چون چنین کند، شاخ پروتستان‌تیسیم حقیقی چون بیرقی برافراشته خواهد شد. این امر در دو شاخ امپراتوری ماد و پارس تاریخی و روحانی نمادین شده است. امپراتوری ماد و پارس تاریخی دومین پادشاهی نبوت‌های کتاب مقدس بود، و ششمین پادشاهی نبوت‌های کتاب مقدس، امپراتوری ماد و پارس روحانی است. در کتاب دانیال، قوچ ماد و پارس دو شاخ داشت، چنان‌که ایالات متحده نیز دارد، اما شاخ دوم در آخر سر برآورد.

آنگاه چشمان خود را بالا بردم و دیدم، و اینک، قوچی با دو شاخ در برابر نهر ایستاده بود؛ و آن دو شاخ بلند بودند؛ اما یکی از دیگری بلندتر بود، و آن که بلندتر بود، دیرتر رویید. دانیال ۸:۳.

در تاریخ پیشگویانه وحش زمین و دو شاخ آن، شاخ پروتستان نخست شناخته شد، اما به‌جای آنکه اوج بگیرد و کار را به پایان برساند، به بیابان کوری لائودیکایی عقب‌نشست. در تاریخی که شاخ جمهوری‌خواه چون اژدها سخن می‌گوید و قانون نزدیک‌الوقوع یکشنبه را به تصویب می‌رساند، شاخ راستین پروتستان سرانجام همچون علمی برافراشته خواهد شد. تنها آن ادونتیست‌های روز هفتم لائودیکایی که آزمونی را که با شکل‌گیری تصویر وحش نمایانده می‌شود می‌شناسند، هنگام بسته شدن مهلت فیض مهر خدا را دریافت خواهند کرد. پیامی که این روند آزمون را مشخص می‌کند اکنون برای هر که بخواهد از آن بهره‌مند شود، از مهر گشوده می‌شود.

و ایلیا نزد همه مردم آمد و گفت: تا کی میان دو عقیده دودل می‌مانید؟ اگر خداوند خداست، از او پیروی کنید؛ و اگر بعل، از او پیروی کنید. و مردم هیچ پاسخی به او ندادند. اول پادشاهان ۱۸:۲۱